

میراث مکتوب تنها روی متون فارسی متمرکز نشود



حسین مفتی از فهرست نویسان متخصص در حوزه متون کهن، نسخ خطی و مطالعات شیعی است. وی در سال ۱۳۴۸ چشم به جهان گشود. اکنون دانشجوی دکتری مطالعات شیعی می‌باشد. وی در کارنامه خود، سابقه دو دهه همکاری با کتابخانه های مرعشی، مجلس و محدث ارموی را دارد. دارای چند اثر در حوزه تراثی از جمله:

۱. معجم الآثار المخطوطة حول أميرالمؤمنین علی (ع) فی مکتبات العالم
۲. فهرست نسخه‌های خطی ترکی در کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی (ج۱)
۳. کتابشناسی فهرس دست نویس های اسلامی کتابخانه های ایران و جهان
۴. فهرست نسخه‌های خطی مجلس شورای اسلامی (ج۰ع ۴ بخش ۲)
۵. فهرست نامه ایران (کتابشناسی فهرست‌های کتابخانه‌های ایران)

و بیش از سی مقاله منتشر شده در حوزه مطالعات شیعی و نسخ خطی برخی از آثار این پژوهشگر محسوب میشود. وی در گفت و گو با مرکز پژوهشی میراث مکتوب معتقد است آثار بسیاری است که در کتابخانه ها فهرست نویسی نشده و عدم موفقیت در این موضوع نبود متولی قانونی برای این حوزه است.

یکی از موضوعاتی که در سال های اخیر مطرح شده است نبود ساماندهی نسخ خطی به توجه در حوزه فرهنگ شیعی است. به عقیده شما در این باره چه اقداماتی می توان انجام داد؟

بخش فهرست نویسی و داشتن متولی يك طرف سکه است و يك طرف بحث تصحیح متون است. در فهرس نسخ خطی موجود داده‌های بیش از يك میلیون نسخه خطی در جهان گزارش شده است و هنوز بسیار زود است که بگوییم با کمبود موانع روبرو هستیم و اگر واقعاً دنبال تصحیح متون هستیم اطلاعات خوبی در اختیار ما است. ولی بخش ساماندهی نسخ خطی يك بحث خاص را می طلبد.

بنیاد! همه ارزش‌ها در فکر و اندیشه آدمی خلاصه می‌شود، به قول مولانا:

ای برادر تو همه اندیشه‌ای ما بقی خود استخوان و ریشه‌ای

متأسفانه در کشور ما شاید نزدیک نود درصد بودجه در خدمت "استخوان و ریشه" است و ده درصد در خدمت "فرهنگ و اندیشه" و ما با این اوصاف نمی توانیم انتظاری بیش از این داشته باشیم. ما در حوزه مکتوب و هر آنچه انتقال اندیشه است متولی نداریم. شوربختانه ما در سطح کلان مدیریت جامعی نداریم و و حقیقت این است که هر کتابخانه ای برای خود يك متولی فصلی دارد و با

عوض شدن مدیری، قوانین هم عوض می شود؛ یعنی قوانین هم به نوعی فصلی شده است! ما به مدیریت متمرکز و قوانینی نیاز داریم که مشکلات کتاب و قلم را به نحو بنیادی در کشور حل کند زیرا برای نمونه ما در حوزه متون کهن و روش های تصحیح متون با اختلافات و دیدگاه های متکثر و متنوعی مواجه هستیم که نیاز هست سیاست گذاری و مدیریت واحدی شود. بنده اخیراً کتابی به نام فهرستنامه ایران منتشر کردم و در آن کتاب بر اساس آمارهای نسبتاً دقیق آورده ام و حقیقتاً امروزه چطور می شود پذیرفت در همین تهران ضمن مجموعه ای خصوصی بیش از ۲۴ هزار نسخه خطی در موضوعات متنوع داشته باشیم ولی کسی حتی از وجود چنین گنجینه نسبتاً عظیمی هم، اطلاعی نداشته باشد یا حتی تاکنون فهرستی - گرچه در حد يك لیست - برای این آثار کهن، تهیه نشده باشد؟ ای بسا با همین نسبت نیز نسخه هایی در کتابخانه های بزرگ و معتبر موجود است که شوربختانه برای آگاهی پژوهشگران حتی فهرستی نامگوی هم از این موارد کهن منتشر نشده است و به نظر می رسد باید از سوی جامعه پژوهشگران متون کهن فشارهایی به این کتابخانه ها وارد و از آنها با جدیت مطالبه شود. بدون تردید روح هیچک از مؤلفین فرهیخته متقدم ما راضی نیست که اندیشه و متن آثار آنان، که به نیت اشاعه در میان مسلمانان تولید شده است، امروزه در قالب نسخه خطی در گوشه کتابخانه ای حبس شده باشد و بدون تردید، تصحیح متون بخشی از فرایند "آزادسازی اندیشه ها" در قالب منطقی و علمی است و البته نباید از این گفته برداشت ناروا شود، چه، به نظر می رسد تنها در این فرایند آزاد سازی اندیشه ها باشد که قالب فیزیکی نسخه ها هم به عنوان پشتوانه علمی این متون تصحیح شده، به نحو دقیق و بدون کوچکترین آسیب، برای نسل های بعد حفظ می شود.

به عقیده شما مؤسسه ای مانند میراث مکتوب باید در این باره چه تدبیر بیندیشد؟

تردیدی نیست که در این ایام، نقش اول در حوزه تصحیح متون را مرکز پژوهشی میراث مکتوب بر عهده دارد و به نظر این کمترین، دست کم به لحاظ کمی، با توجه به وجود انبوهی از موارد کهن اسلامی و شیعی در خمول کتابخانه های ایران و گنجینه های دیگر کشورها، هر چند در حد انتظار نیست، اما روند تصحیح متون به سمتی مطلوب پیش می رود و از نظر کیفی نیز تصحیح و روش های مختلف تصحیح حداقل صد اثری که در میراث مکتوب تصحیح شده است به نحو محسوسی در حال رشد و بدون تردید به سمت ایده آل پیش می رود ولی به نظر می رسد بازهم تا رسیدن به حد مطلوب زمان است و يك مقدار باید بیشتر کار شود. حداقل انتظاری که از مرکز میراث مکتوب است این است که با توجه به عنوانی که بر تارک این مرکز می درخشد (میراث مکتوب) طبیعتاً باید شامل تمامی علوم و فنون و آثار نجومی، فقهی، ادبیات عرب و همه بخش ها را پوشش دهد و نایبستی تنها متمرکز در متون و ادب فارسی بشود.

میراث مکتوب را می توان در حوزه دینی و اسلامی تعریف کرد و این بر عهده مرکز است که آسیب شناسی کرده و نموداری دقیق برای آن موضوعات تعریف کند که مصححان با نظر در آن، بدانند در چه موضوعاتی تا چه اندازه کار شده است، خلأهای پژوهشی کجاست؛ با توجه به اهمیت موضوع "تاریخ علم" در عرصه های بین المللی برای مثال در زمینه ریاضیات و ستاره شناسی آثار بسیار اندکی کار شده است؛ نکته دیگری که به نظر می رسد اهمیت به سزایی داشته باشد، اینکه مرکز گاهی ذیل همین علوم مورد گفتگو، هم آثاری تصحیح و منتشر شده باشد، اما به ادعان برخی از پژوهشگران تیزبین، حقیقت این است که آن آثار، نه صرفاً به لحاظ جنبه علمی آن اثر یا خلأ پژوهش های فلان موضوع، بلکه از آن جهت که این اثر به زبان فارسی نگارش یافته، انتخاب و مورد تصحیح قرار گرفته است!

بحث تصحیح تخصصی متون را چگونه ارزیابی می کنید. آیا کسانی که در سال های اخیر در بحث تصحیح به صورت تخصصی فعالیت کرده اند توانسته اند در این باره به صورت علمی عمل کنند؟

به اساس اطلاع بنده، اکثر کارها که در میراث مکتوب صورت گرفته پیشنهاد از سوی مصحح بوده است اما آنچه مورد انتظار است این است که مرکز باید برای تصحیح متون پیشنهادی ارزیابی درست و منطقی داشته باشد. مشخصاً پیشنهاد بنده در این باره این است که مرکز پژوهشی میراث مکتوب پس از اینکه راهبرد حوزه کاری خود را تعریف نمود که مثلاً با توجه به اینکه در قم بخش فقه یا حدیث و امثالهم از میراث مکتوب، تا حدی متولی نیمه رسمی دارد ما یا در این حوزه‌های تراثی وارد نمی‌شویم یا اولویت آن برای ما در درجه نخست نیست، سپس باید بر اساس خلأها، مرکز برای خود یک برنامه راهبردی داشته باشد به این صورت که مثلاً می‌خواهد هر سال یک متن ریاضی منتشر کند. برای این کار می‌توانند موضوعات مواریثی را که ما داریم ابتدا بر اساس مقتضیات روز، طبقه بندی نموده و نسبت به پیشنهاد تصحیح به مصححانی که کارشان مقبول جامعه پژوهشگران است، اقدام نماید و البته مؤسسه میراث مکتوب باید کار را به کسانی دهد که به توانایی آن‌ها آگاه است.

افراد بسیاری هستند که در داخل و خارج کشور دستی در حوزه تصحیح متون دارند؛ اما این مرکز با توجه به جایگاه کاریزماي خود، با پیشنهاد شخصیت‌های شناخته شده این حوزه، باید از جایگاه خود دفاع نماید! متأسفانه این موضوع انجام نمی‌شود و مرکز بر مدار مصحح می‌چرخد و اینگونه نیست مصحح بر مدار مرکز بچرخد؛ سعی شود در این روند، افرادی انتخاب شوند که با توجه به مجموعه نقدهایی که در مطبوعات از کارهای پژوهشی آنان صورت گرفته، از لحاظ تصحیح متون نشان داده شده‌اند مصححان قوی هستند و با شناختی که روی این افراد و رصد کارهای آنان به تدریج حاصل شده است، پتانسیل لازم برای انجام کارهایی ارزشمندتر به لحاظ محتوایی و شکلی، دارند و می‌توانند در حوزه تصحیح متون، آثاری مقبولتر عرضه کنند. آنچه مسلم است و برای جامعه پژوهشگران پذیرفتنی نیست، این است که مرکز میراث مکتوب نباید، پس از سال‌ها تجربه و تلاش در حوزه تصحیح متون کهن، محل و آزمایشگاهی برای این افراد یا مرکز ناشری برای اولین اثر یک مصحح باشد و البته ناپیوستگی از این کلام برداشت ناروا شود، قطعاً این کلام بدان معنا نیست که ما نسل جوان را کناری نهیم و به آنان میدان کار و پژوهش ندهیم. به نظرم آنچه که دست کم، در حوزه تصحیح متون کهن مورد انتظار است، تأسیس "انجمن مصححان متون کهن" است که ضمن حمایت از جامعه مصححان، در آن انجمن هم نسبت به وضع قوانین و اصول صحیح تصحیح متون به نحو قیاسی، انتقادی یا تطبیقی و امثالهم سیاست‌گذاری دقیق شود و هم نسبت به تربیت نسل جوان مصحح، به خصوص تصحیح متونی همسو با رشته علمی وی، مباحثی کارشناسانه طرح شود، چه، حقیقتاً فقدان مصحح عالم و دقیق النظر، خطری جدی است که جامعه علمی کشور را بشدت تهدید می‌کند؛ باید افزود که این انجمن در صورت تأسیس قطعاً می‌تواند با ورود جدی به حوزه نقد آثار تصحیح شده، با سیاست‌هایی، هم از ورود غیرمتخصصان این حوزه ممانعت به عمل آورد و هم از انتشار کارهای ضعیف و آبیکی در این حوزه، جلوگیری شود؛ به نظر می‌رسد این انجمن می‌تواند به آرامی آنچه که از حوزه تصحیح متون است، که یکی به متن ناظر است یعنی تصحیح دقیق اثر، یعنی ارائه متنی مطابق با متنی که از قلم و زبان پدیدآور خارج شده است (نه بیشتر و نه کمتر) و دوم که به مصحح برمی‌گردد، یعنی تخصص لازم، نسبت به موضوع اثر است، یعنی این انجمن بایستی سیاست نقد را به جدیت دنبال نماید، کسی که تخصص کافی و لازم برای ورود به مباحث تصوف و عرفان را نداشته باشد، نتواند به تصحیح متنی از قونوی اقدام نماید و اگر این انجمن تأسیس و تقویت شود، قطعاً می‌تواند صلاحیت لازم افراد را هم نسبت به اصل موضوع تصحیح و هم نسبت به تخصص علمی کافی مصحح نسبت به متن اثر را تأیید نماید و به نابسامانی‌های موجود در عرصه تصحیح متون کهن برای همیشه خاتمه دهد.

با توجه به گفته‌های شما آیا تصحیح متون را باید انحصاری کرد و مانع از ورود جوانان و دانشجویان به این عرصه شد؟

ببینید! به نظر می‌رسد با توجه به کارهای ارزشمندی که از سوی مرکز میراث مکتوب منتشر شده، به تبع آن تردیدی نیست که این مرکز جایگاهی مطلوب در فراسوی مرزها یافته است و با توجه به این مسأله، طبیعی است که این مرکز نمی‌تواند آزمایشگاهی برای کسانی شود که برای نخستین بار به موضوع تصحیح متون می‌پردازند و به نظر این کمیته، یکی از آسیب‌های جدی که هم

اکنون به این مؤسسه وارد است، دقیقاً همین است. چه اشکال دارد از سوی نسل جوان خلاصه‌ای از متنی که می‌خواهند تصحیح نمایند ابتدا برای مثال در مجلاتی مانند آینه میراث برای نظر خواهی منتشر شود؟ نسل جوانی که هنوز با منابع تراثی موجود آشنایی دقیق ندارد، احیاناً از نسخه‌های دیگر اثر مورد تصحیحش آگاهی ندارد یا حتی از تصحیح و انتشار متن مورد نظرش مثلاً درون یک نشریه آگاهی ندارد؛ حتی گاه دیده شده از مقاله‌ای که از سوی یک خاورشناس درباره اثر مورد نظر، ده‌ها سال پیش در ضمن نشریه‌ای در استانبول منتشر شده، او مطلع نیست و البته این عدم اطلاع برای نسل جوان تازه کار، امری طبیعی است و گاهی هم حقیقتاً اجتناب‌ناپذیر است. اگر به هر دلیل ممکن، بر اساس تفکرات ایرانی، این نوع روند مطلوب ما ایرانیان نبوده باشد، دست کم هر متنی پیش از تصحیح کامل و انتشار آن، برای آگاهی محققان، گزارشی مختصر از آن در نشریه مرکز منتشر شود؛ این اطلاع رسانی برای پرهیز از کارهای موازی هم خوب است. نکته دیگر اینکه بگذارید این سنت نیکوی تلمذ و شاگردی باقی بماند؛ چه اشکال دارد سنتی از سوی همین مرکز نهاده شود مبنی بر اینکه تازه‌کاران جوان دو سه تا از کارهای تصحیحی را زیر نظر مصححان مطرح منتشر نماید؟ به نظر می‌رسد مرکز این پتانسیل را دارا باشد که بتواند پایگاهی شود برای افرادی که می‌خواهند برای نخستین بار اثر خود را ارائه کنند در آنجا ارائه دهند؛ اما منطقی نیست کارهای آماتوران با کارهای حرفه‌ای حوزه تصحیح ممزوج شود، چه، ادامه این روند فعلی، قطعاً کیفیت و راندمان کار مرکز را پایین خواهد آورد و طبیعتاً ضربه خواهد خورد. البته عرض کردم این موضوع منافاتی با تربیت نسل جوان ندارد؛ جامعه مصححان باید نسل جوان را راهنمایی و هدایت نمایند. برای این کار حتی انجمن پیشنهادی پیشین نیز به هر دلیل متصور تأسیس نشود، مرکز میراث مکتوب میتواند بخشی را مثلاً برای اولین کارهای نسل جوان درست کند و اثر تصحیحی آن‌ها را آنجا ارائه دهد. در واقع منظور این است که باید یک حد استاندارد برای کارهای تصحیحی از سوی دوستان عزیز در مرکز تعریف شود، حتی فردی که ابتدا به ساکن اولین کارش را می‌خواهد انجام دهد، اگر توانست آن سطح مقبول و مطلوب مرکز را داشته باشد؛ بتوان کار وی را اگر چه، نخستین کار این مصحح جوان است، اما در بخش کارهای اصلی و مقبول کنار کارهای پژوهشی مصححان کارکننده قرار داد و این بدون اشکال است.

همانگونه که مستحضر هستید در تقویم رسمی کشور روزی به میراث مکتوب نامگذاری شده است. حال تصور می‌کنید در آن روز چه اقداماتی باید صورت بگیرد؟

در نامگذاری یک روز برای میراث مکتوب موضوعات متعددی باید بررسی شود؛ البته این ظاهر قضیه است و تمام روزها باید به میراث مکتوب اختصاص یابد زیرا ما با اقیانوس عظیمی از آثار تصحیح نشده مواجه هستیم. حقیقت اینست که شاید نود درصد متون اسلامی، شیعی و حتی علمی فرهیختگان ما چاپ نشده است و مرکز میراث مکتوب شاید به هر دلیل متصور، از نظر مادی و معنوی نتواند همه علوم این حوزه‌ها را پوشش دهد؛ اما در روز میراث مکتوب که همه ذهن‌ها به این موضوع متمرکز است به نظر می‌رسد جریان موازی باید صورت بگیرد و امر تصحیح به سمت تخصصی‌تر شدن به لحاظ موضوع آثار، پیش برود؛ البته در صورت تأسیس انجمن پیشنهادی برای امر تصحیح، طبیعتاً پی‌گیری این مباحث بر عهده آنهاست. به هر تقدیر با این فرض که مرکز میراث مکتوب، به عنوان مرکز کاریزماي حوزه تصحیح متون، به هر دلیل ممکن، نتواند به لحاظ عده و عده از عهده همه موضوعات نسخ خطی برآید، تقسیم کار به لحاظ موضوعی، بدون تردید امری اجتناب‌ناپذیر است برای این کار شاید بهترین روش این باشد که مرکز، به طور رسمی، اولویت اصلی خویش را مثلاً روی آثار علمی، بخصوص موضوع "تاریخ علم" ببرد و البته مرکز میراث مکتوب در سال‌های اخیر عملاً متمرکز بر متون و ادب فارسی بوده است که به قول عربها الخیر فی ما وقع، مرکز بیاید مانیفیست را صادر کند که از امسال ادبیات فارسی در اولویت کاری تصحیح در مرکز ماست یا هر اثری که در موضوعات مختلف تألیف شده باشد، به شرط اینکه به زبان فارسی باشد، اولویت دارد و آن روز، روز خوبی است که این مرکز این تعریف را از خود ارائه کند.

یکی از موضوعاتی که شما در لابلای صحبت به آن پرداختید، ضرورت تصحیح متون شیعی است. در این باره چه پیشنهادی برای افزایش عملکرد مرکز پژوهشی میراث مکتوب دارید؟

آنچه از فعالیت‌ها و پژوهش‌های آقای دکتر ایرانی در مکتبه مرعشیه قم از همان سالهای ورودم به آن کتابخانه عامره (شاید ۱۳۷۲-۱۳۷۳)، به خاطر دارم و بر اساس برداشت شخصی‌ام، طبیعتاً تأسیس این مرکز نیز به تبع آن ایده‌ها بوده است، اینکه مرکز پژوهشی میراث مکتوب با نگاه دینی و احیای میراث شیعی کار خود را آغاز کرد و به نظرم می‌رسد هم اکنون مرکز تا حدودی از این نگاه فاصله گرفته است و شاید هم اشتباه می‌کنم و یک برداشت صوری و یا سطحی بوده باشد، که البته بعید هم نیست که قطعاً دوستان و اساتید متوجهم خواهند نمود! به هر تقدیر، حداقل متوقع آن این بود این مرکز، به عنوان یک مرکز فرهنگساز، عنایت بیشتری برای میراث مکتوب و توجهی خاص نسبت به متون کهن شیعه، که میراث فکری ما ایرانیان به عنوان محبین اهل بیت علیهم السلام را نشان می‌دهد، داشته باشد و البته تأکید بنده این نیست که مرکز از بخش‌های دیگر کم بگذارد؛ بحث اینست که اگر شما دو تا کتاب غیر شیعی صرفاً به جهت اینکه فارسی است مثلاً به صورت برگردان چاپ می‌کنید، لاف‌ل یکبار هم بیاید کهنترین نسخه الاستبصار شیخ طوسی از قرن ششم هجری را که دستخط محقق حلی روی آن و در مکتبه مرعشیه قم است به صورت فاکسیمیلی چاپ کنید؛ تا کجا باید خود را با خواسته‌ها و مطالبات فراسوی مرزها تطبیق کنیم؟!

ببینید! بحث متون کهن شیعه در حوزه مباحث درون دینی کارهای جدی در قم و جاهای دیگر صورت گرفته و می‌گیرد، مثلاً در موضوعاتی مانند فقه، حدیث و حتی تفسیر و امثالهم انصافاً کارهای ارزنده‌ای شده است ولی حقیقت اینست که در مباحث علمی شیعه مثلاً تاریخ علم از منظر شیعه مثل کارهای ریاضی و نجومی خواجه نصیر طوسی (ره) حقیقتاً این متون بالکل زمین مانده است؛ اینها نیاز به تصحیح جدی و علمی از سوی متخصصان این علوم دارند و قطعاً چاپ برگردان این آثار هم کافی نیست، اینها باید به شکل‌های مختلف کار شده و با مباحث روز ریاضیات و امثالهم تطبیق و در پاورقی از سوی مصحح تحلیل شوند، البته تأکید و توجه بر جنبه شیعی بودن نگارندگان این نوع آثار مراد است که بسیار اهمیت دارد! شوربختان در هیچ کجای مجامع علمی جهان تشیع، چه داخل و چه خارج، توجهی جدی نمی‌شود و این حوزه‌ها مطلقاً متولی رسمی، با نگاه شیعی، ندارد، آنچه به حق از امثال مرکز میراث مکتوب ما انتظار داریم اینست که در کنار توجه به جنبه‌های ادبی و امثالهم به تاریخ علم از نگاه دانشمندان عقل‌گرای شیعه و آثاری که در این حوزه در دوره‌های شکوفایی تمدن اسلامی تولید شده است، نیز پرداخته شود و حقیقت اینست که موج اثرگذاری این موضوعات در فراسوی مرزها بسیار بیشتر از دیگر آثار است و قطعاً انتشار هر اثری در این عرصه، می‌تواند پرده‌ای از سهم عظیم و کلیدی شیعه - به عنوان اسلام اصیل و اورژینال پیرو مکتب اهل بیت علیه السلام - را در موضوع کلیدی تاریخ علم برگشاید؛ شاید نقد جدی بنده به مرکز، بیشتر به همین مسأله باشد که بر اساس شواهد و قرائن موجود و حتی ادبیات بکار رفته مصححان این نوع آثار، در مقدمه خود، حاکی از آنست که در مرکز میراث مکتوب جنبه‌های ادبی و نیز زبانی آثار (بخصوص زبان فارسی) همواره بیشتر از سایر مؤلفه‌ها مورد توجه قرار دارد و البته اگر تعریف درستی از سیاست راهبردی خود در وبسایت و یا مجله از سوی مرکز ارائه شود که برای مثال مصححان متوجه شوند که مرکز در برنامه خود در سال ۱۳۹۱ می‌خواهد یک اثر در موضوع ستاره‌شناسی یا ریاضیات تألیف دانشمندی شیعی منتشر شود یا تصحیح و نشر چنین اثری برای مرکز اولویت دارد؛ به این ترتیب طبیعتاً افراد و مصححان خود را با سیاست مرکز تطبیق می‌دهند و با مراجعه به فهرس نسخ خطی، برای یافتن چنین متنی با این مشخصات اقدام مینمایند و بدون تردید جوینده پاینده است و آنها می‌توانند به آن آثار دسترسی پیدا کنند و تمام کلام در این جمله است که مرکز پژوهشی میراث مکتوب، اگر بخواهد خود را یک آسیب‌شناسی جدی نماید، بدون تردید بایستی استراتژی‌های پژوهشی خود را، به لحاظ خط فکری و موضوعی تعریف نماید تا با توجه به حیطة کاری خود، به شفافیت لازم دست یابد و به نظر می‌رسد یکی از کارهای خوب در این باره این است که مرکز اگر در کنار این برنامه تصحیح آثار، دنبال بازتولید و احیای اندیشه دینی

و تمدنی شیعه و القای تفکری مبتنی بر اثباتِ عقلانیتِ تشیع است، باید خود شخصاً پیشنهاد دهنده موضوعات باشد و بس و مطمئناً با این روش، شاید در ده سال آینده مرکز میراث مکتوب بتواند چهل اثر بنیادی از میراث مکتوب کهن شیعه منتشر کرده باشد که بدون تردید تأثیرگذاری آن در اثبات حقانیت شیعه، به عنوان جریان عقل گرا در جهان اسلام، اجتناب ناپذیر است و در غیر این صورت، مرکز میراث مکتوب، در ده سال آینده، با این آهنگ، ناخواسته یگانه مدافع ادبیات فارسی با موضوع تصوف سنی خواهد بود که یا تنها، خادمان مخطوطات در فراسوی مرزها از این روند بهره‌مند خواهند شد یا شیفتگان متون فارسی کهن که به قول خودشان کاری به موضوع اثر ندارند: «باید توجه داشت که در این تصحیح کاری به جنبه‌های حدیثی، تفسیری، عرفانی اثر نداریم، بلکه آنچه در این متن مدنظر مصحح بوده است، تنها به لحاظ ادبی این اثر بوده است».

منبع: موسسه پژوهشی میراث مکتوب